

در دولت‌های
یازدهم و
دوازدهم به
مدت یکسال
ونیم سفیر
به چین
نمی‌فرستیم
و وقتی هم
می‌فرستیم بعد
از یک هفته آن‌را
برمی‌گردانیم،
سپس شش
ماه سفیر اعزام
نمی‌کنیم و پس
از شش ماه یک
کارمند در چین
مستقر می‌کنیم
و بعد می‌بینیم
که اوضاع
نابسامان شده و
گلابه‌ها متعدد،
تصمیم‌های
دیگری
می‌گیریم که
اشتباه‌تر است.
زمانی که چین
چنین وضعیتی
را می‌بیند به
این نتیجه
می‌رسد که
فرمانده واحدی
نداریم و حتی
در همکاری
جدی نیستیم

اعزام نمی‌کنیم و پس از شش ماه یک کارمند در چین مستقر می‌کنیم و بعد می‌بینیم که اوضاع نابسامان شده و گلابه‌ها متعدد، تصمیم‌های دیگری می‌گیریم که اشتباه‌تر است. زمانی که چین چنین وضعیتی را می‌بیند به این نتیجه می‌رسد که فرمانده واحدی نداریم و حتی در همکاری جدی نیستیم. این در حالی است که چین در ۸ سال جنگ تحمیلی، تأمین تجهیزات مورد نیاز برای پیشگیری از ویروس کرونا و توسعه سایر صنایع به ایران کمک کرد.

توافق ۲۵ ساله ایران و چین را چگونه می‌بینید و چه نقصان‌هایی در این خصوص داشتیم؟

توافق ۲۵ ساله ایران و چین، بیشتر روی روابط راهبردی متمرکز است، در این میان از طرف ما سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی برای مدیریت کلان راهبردی این توافق نقشه اجرایی تعیین نکرد. همیشه تصور می‌کنیم که چین پول اضافه دارد، مانند گاو صندوق پر پول که هر وقت غری‌ها جواب ندادند یا صندوق توسعه ملی پول نداشت سراغ آنها برویم و با طرح خام که هیچ ارزشی ندارد از چینی‌ها کمک بخواهیم و با زور سیاسی درصد جذب تسهیلات یا سرمایه‌گذار باشیم. چین در زمینه ساخت پتروپالایشگاه، نیروگاه‌های بادی، راه‌آهن، مترو و... آماده هرگونه همکاری است اما ما باید گزارش جامع فنی و اقتصادی که قابلیت ارائه به بانک چین داشته باشد، ارائه تا بتوانیم منابع مالی آن را تأمین کنیم. نمی‌شود به صرف قرارداد بستن، از چین بخواهیم که پول به ما بدهد تا یک پروژه را انجام دهیم. این رویه اشتباه است. راهی که می‌توانیم تأمین منابع مالی کنیم، همکاری با گروه بریکس است.

زمانی که رئیس‌جمهور چین به عربستان رفت، در ایران خبرها به گونه‌ای هدایت شد که چین می‌خواهد تعامل و همکاری خود با ایران را کم‌رنگ کند، چقدر این موضوع قابل پذیرش است؟

در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۶ رئیس‌جمهور چین اعلام کرد که با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس برای تضمین تأمین انرژی، ارتباط برقرار می‌کند، از همین رو دیدیم که سفری به عربستان داشتند و تفاهنامه‌هایی را هم



از طرفی از آنجا که عمدتاً بدنه کارشناسی، تصمیم‌سازی و همچنین مدیران دولتی ایران در غرب درس خواندند یا در دانشگاه‌های آنها آموزش دیدند که مکاتب غرب تدریس شده، تمایل و چرخش به سمت همکاری با غرب و کشورهای اروپایی را دارند و خیلی راضی نیستند که با چینی‌ها کار کنند. حال چینی‌ها که به نفت، گاز، مس، کاندو... ایران نیاز دارند، به این جمع بندی رسیدند که یک تنش کنترل شده بین ایران و آمریکا مطلوب چین است. حضور آمریکا در خاورمیانه برای چین مطلوب است چرا که چینی‌ها بدون هزینه می‌توانند انرژی مورد نیاز خود را از خلیج فارس تأمین کنند. در تجزیه و تحلیل استراتژیک ۴۲ درصد انرژی فسیلی چین باید از تنگه هرمز عبور کند، این عدد بسیار مهم است. وقتی ما خودمان را به تجاهل عارفانه می‌زنیم، در دولت‌های یازدهم و دوازدهم به مدت یکسال ونیم سفیر به چین نمی‌فرستیم و وقتی هم می‌فرستیم بعد از یک هفته آن را برمی‌گردانیم، سپس شش ماه سفیر